



« الدرس الخامس » ❁

« الصدق »

« ما أضمر أحد شيئاً إلا ظهر في فلتات لسانه و صفحات وجهه » (امام علی (ع))

« تا مرد سخن نگفته باشد عیب و مهرش نهفته باشد »

« رنگ رخساره خرمی دهد از سر دون »

❁❁ درسنامه : جمله توصیفی

گاهی بعد از اسم نکره یک فعل یا یک جمله اسمیه ای می آید که درباره آن اسم نکره توضیحی می دهد ؛ این توضیح یک عبارت توصیفی است و در ترجمه این جمله توصیفی ابتدا حرف « که » ربط فارسی می آید. به جمله زیر توجه کنید:

جئتُ إلى مُعلِّمٍ يتكلمُ باللغة العربية : به سوی معلمی آمدم که به زبان عربی صحبت می کرد.

در جمله بالا « معلِّمٍ » اسم نکره و فعل « يتكلمُ » توصیفی برای آن اسم نکره است و با « که » ربطی ترجمه شده است، جمله توصیفی را جمله وصفی نیز می گویند.

نتیجه : جمله ای که بعد از اسم نکره می آید و آن را توصیف می کند ، جمله وصفی یا جمله توصیفی نامیده می شود. جمله توصیفی با « که » ربطی فارسی ترجمه می شود.

مثال : رأيتُ سيارَةً في الطريقِ تسيرُ بسرعةٍ : ماشینی را در راه دیدم که به سرعت حرکت می کرد.

اسم نکره ↓
فعل یا جمله توصیفی ↓

نکات: ترجمه فعل توصیفی بستگی به فعلی دارد که در جمله قبل، یعنی همراه آن اسم نکره آمده است. بنابراین ترجمه فعل توصیفی ممکن است به یکی از سه شکل زیر باشد.

الف) ماضی + + مضارع ← ماضی استمراری

اگر فعل اول ماضی باشد و جمله توصیفی مضارع بیاید، جمله وصفی به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود. مانند دو مثال بالا و مثال زیر:

شَاهَدْتُ فِي الْغَابَةِ غُرَابًا يُحَدِّرُ بِصَوْتِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ عَنِ الْخَطَرِ: در جنگل کلاغی را دیدم که با صدایش بقیه حیوانات را به خطر هشدار می داد (ماضی استمراری)

ب) ماضی + + (قد) ماضی ← ماضی ساده یا ماضی بعید

اگر فعل اول ماضی باشد فعل توصیفی هم ماضی باشد، فعل دوم به صورت ماضی ساده یا ماضی بعید ترجمه می شود.

مثال: إِشْتَرَكْنَا فِي جَلْسَةِ قَدِ دُرْسٍ فِيهَا رَسَائِلٌ عِلْمِيَّةٌ: در جلسه ای شرکت کردیم که در آن مقالات علمی درس داده شده بود (داده شد)

↓ فعل ماضی
↓ قد + فعل ماضی ← ترجمه ماضی ساده یا ماضی بعید

در این فرمول قبل از فعل توصیفی ممکن است «قد» بیاید یا نیاید، مهم نیست. «قد» در این حالت فقط یک نشانه است و معنی نمی شود.

ج) مضارع یا جمله اسمیه + + مضارع ← مضارع التزامی یا مضارع اخباری

اگر فعل اول مضارع باشد یا جمله اول جمله اسمیه باشد و فعل دوم مضارع بیاید، فعل توصیفی (دوم) مضارع التزامی یا مضارع اخباری ترجمه می شود.

مثال: يُبْعِدُ وَالِدُكَ عَنكَ كُلَّ شَيْءٍ يُقَرِّبُ مِنْكَ مَا هُوَ مُزْعِجٌ لَكَ: پدرت از تو دور می کند هر چیزی را که تو را نزدیک کند (نزدیک می کند) به آنچه برایت ناراحت کننده است.

لِلخُفَّاشِ آذَانٌ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِنْدَ الْحَرَكَةِ: خفاش گوش هایی دارد که از آن هنگام حرکت استفاده می کند.

↓ جمله اسمیه
↓ مضارع ← ترجمه مضارع التزامی یا مضارع اخباری

تذکرات:

۱- زمان جمله اسمیه در حکم مضارع است.

۲- جمله توصیفی با حروف عطف « وَ ، فَ ، ثُمَّ ، أَوْ ، أَمْ ، بَلْ ، لَكِنْ ، ... » و حروفی که مضارع التزامی می سازند « أَنْ ، كَيْ ، لَكَيْ ، حَتَّى ، لِ ، وَ » « لِأَنَّ » آغاز نمی شود.

۳- در جمله وصفی حتما ضمیری وجود دارد که به اسم نکره بر می گردد ، این ضمیر را « رابط » گوئیم.

مثال : جَلَسْنَا تَحْتَ أَشْجَارٍ خَضْرَاءٍ ظَلُّهَا لَطِيفٌ : در زیر درختان سبزی نشستیم که سایه شان لطیف بود.

اسم نکره جمله اسمیه توصیفی : جمله توصیفی و ضمیر « ها » به « أَشْجَارٍ » که اسم نکره است بر می گردد.

۴- جمله توصیفی می تواند جمله اسمیه یا جمله فعلیه باشد مانند مثال های که تا کنون نوشته ایم.

۵- دقت کنید که جمله توصیفی همیشه بلافاصله پس از اسم نکره نمی آید گاهی بین موصوف (اسم نکره) و جمله وصفی فاصله ایجاد می شود، در این حالت توجه به ضمیر رابط به ما کمک می کند تا جمله توصیفی را تشخیص دهیم.

مثال : بَحَثَ الْمُدِيرُ عَنِ التَّلْمِيزِ فِي مَدْرَسَتِنَا يَجْتَهِدُ فِي اُمُورِهِ : مدير به دنبال دانش آموزی در مدرسه گشت که در کارهایش تلاش می کرد .
اسم نکره جمله یا فعل توصیفی (با فاصله از اسم نکره آمده است)

۶- فعل شرطی که بعد از اسم نکره آمده است را با جواب شرط اشتباه نگیرید.

مثال: مَنْ يَجْتَهِدُ فِي اُمُورٍ يَنْجَحُ فِي حَيَاتِهِ! اُمُورِ اسم نکره است ولی « يَنْجَحُ » جواب شرط و مجزوم است.

۷- جمله وصفی از نظر اعراب (حرکت آخر) تابع موصوف خود (اسم نکره) است.

مثال : شاهدنا سَيَّارَةً تَذْهَبُ فِي الطَّرِيقِ مُسْرِعَةً! سَيَّارَةً اسم نکره و موصوف و مفعول و منصوب، تَذْهَبُ : فعل و فاعل و جمله توصیفی و منصوب و مبنی (اگر نقش جمله ای را بنویسیم، چون آن علامت مخصوص نقش را نمی پذیرد بجایش می گوئیم مبنی، پس مبنی بودن در اینجا یعنی جمله مبنی است.) / جمله در حکم مبنی است.

دو نکته ی مهم در تست جمله وصفی :

۱- برای پاسخ دادن به تست هایی که جمله توصیفی را خواسته است، دقت کنید که ابتدا باید اسم نکره را در جمله پیدا کنید.

۲- ممکن است در تست تنوین اسم نکره را نگذارند و داوطلب باید تشخیص دهد اسم تنوین داشته است.

بنابراین اگر اسمی « ال » نداشته باشد و مضاف هم نباشد حتما باید تنوین بگیرد یعنی نکره است.

مثال : هَذَا هَدَفٌ نُرِيدُهُ فِي الْحَيَاةِ : این هدفی است که آن را در زندگی میخواهیم!

در این جمله « هدف » اسم نکره است و چون خبر است باید تنوین رفع بگیرد و فعل بعدش فعل توصیفی می شود و با « که » ترجمه شده است . چرا « هدف » تنوین گرفت ؟ چون نه « ال » دارد و نه مضاف است، پس اسم نکره است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ الْوَصْفِيَّةَ (التَّوْصِيْفِيَّةَ) فِيهَا:

..... (۱) رَأَيْتُ وِلْدَانًا فِي الشَّارِعِ يَمْشُونَ بِسُرْعَةٍ !

..... (۲) كَانَتْ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ !

..... (۳) افْتَشْتُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ !

..... (۴) الْكِتَابُ صَدِيقٌ مُخْلِصٌ يُنْقِذُكَ مِنَ مِصِيْبَةِ الْجَهْلِ !

✓ تست: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْوَصْفِيَّةَ الَّتِي يُتْرَجَمُ مَعِ « كِه » :

(۱) ﴿ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ ﴾ (۲) « قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مَرًّا »

(۳) « أُخْتِي طَبِيبَةٌ مَاهِرَةٌ تُعَالِجُ الْمَرِيضَاتِ بِدَقَّةٍ » (۴) « هُنَاكَ بَعْضُ الْعِبَارَاتِ قَدْ أَصْبَحَتْ كَمَثَلٍ سَائِرٍ »

پاسخ تشریحی (گزینه ۳)

نگاه تستی به این سوال این است که اولاً اسم نکره در جمله پیدا کنیم ، ثانيا بعد از آن اسم نکره یک فعل یا یک جمله اسمیه آمده باشد . گزینه ها ۱ : اسم نکره ندارد. گزینه ۲ : اسم نکره آخر جمله (مَرًّا) آمده است و بعد از آن چیزی نیامده . گزینه ۳ : « طَبِيبَةٌ » اسم نکره و « مَاهِرَةٌ » صفت آن است و فعل « تُعَالِجُ » توصیفی است « خَواهرم پزشک ماهری است که بیماران را با دقت معالجه می کند.» گزینه ۴ : مثل سائِرِ که موصوف و صفت هستند، اسم نکره می باشند ولی بعدشان فعل یا جمله توصیفی نیامده است.

تست: عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ جُمْلَةٌ وَصْفِيَّةٌ :

(۱) « اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَّا تَشْبَعُ » (۲) « اُرِيْدُ اَرْحٰصَ سِرِّوَالِ تَبِيْعٍ فِى مَتَجَرِّكَ! »

(۳) « اِشْتَرَكَ التَّلَامِيْذُ فِى جَلْسَةِ فِيْهَا الْاَبَاءُ وَ الْاُمَّهَاتِ » (۴) « رَأَيْتُ طِفْلًا وَ هُوَ يَنْظُرُ هَذِهِ الصَّخْرَةَ الْعَظِيْمَةَ »

پاسخ (گزینه ۴):

نگاه اول پیدا کردن اسم نکره با جمله یا فعل بعدش :

گزینه ۱: «نفس» اسم نکره، «لَا تَشْبَعُ» فعل توصیفی است: خدایا من از نفسی که سیر نمی شود به تو پناه می برم. گزینه ۲: « سِرِّوَالِ » اسم نکره ، « تَبِيْعٌ » فعل توصیفی است: ارزان ترین شلواری را می خواهم که در مغازه ات می فروشی. گزینه ۳: « جلسه » اسم نکره، « فِيْهَا الْاَبَاءُ وَ الْاُمَّهَاتِ » جمله اسمیه و توصیفی است (فیها : خبر ، الْاَبَاءُ : مبتدا) : دانش آموزان در جلسه ای شرکت کردند که پدران و مادران در آن بودند. گزینه ۴ : « طِفْلًا » اسم نکره است و جمله بعدش با « و » شروع شده است که دیگر این جمله توصیفی به شمار نمی آید، ولی می توان این «و» را به همراه «هو» از جمله حذف کرد تا « فِعْلٌ يَنْظُرُ » توصیفی شود: « رَأَيْتُ طِفْلًا يَنْظُرُ هَذِهِ الصَّخْرَةَ الْعَظِيْمَةَ » کودکی را دیدم که به این صخره بزرگ نگاه می کرد.